21519 ـ شروط عبادت در اسلام

سوال

شروط عبادت درست در اسلام چیست؟

پاسخ مفصل

الحمدلله.

شیخ فقیه، محمد بن صالح بن عثیمین ـ رحمه الله ـ می‌گوید:

اولا: اینکه عبادت «در سبب آن» موافق با شریعت باشد، بنابراین هر انسانی که خداوند را با عبادتی بپرستد که مبنی بر سببی باشد که در شرع ثابت نشده، آن عبادت مردود است و امر الله و پیامبرش بر آن نیست. مثال آن جشن گرفتن تولد پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ است و همینطور کار کسانی که شب بیست و هفتم رجب را جشن می‌گیرند و مدعی می‌شوند که پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ در این شب به معراج رفته است، که این کار موافق شرع نیست و مردود است.

۱ـ زیرا از ناحیهٔ تاریخی ثابت نشده که معراج پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ در شب بیست و هفتم بوده است و در کتب حدیثی که داریم حتی یک حرف نیست که نشان دهد پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ در شب بیست و هفتم رجب به معراج برده شده و مشخص است که این از باب اخبار است که تنها با سند صحیح ثابت می‌شود.

۲ـ به فرض ثبوت، آیا ما حق داریم که در این روز عبادتی بسازیم یا آن را عید قرار دهیم؟ هرگز. برای همین وقتی پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ به مدینه آمد و دید که انصار دو روز دارند که در آن تفریح و بازی می‌کنند فرمود: «الله به جای آن دو برایتان [دو عید] بهتر داده است» و عید فطر و عید قربان را برایشان یادآور شد و این نشان می‌دهد که پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ هر عیدی را که در اسلام نوساخته شود بد می‌دانستند به جز سه عید: دو عید سالانه یعنی عید فطر و قربان و یک عید هفتگی که روز جمعه است. بنابراین حتی اگر فرض کنیم که عروج پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ در شب بیست و هفتم رجب ثابت باشد، نمی‌توانیم بدون اجازهٔ شارع در این روز چیز جدیدی بسازیم.

همانطور که گفتم، امر بدعت بسیار بزرگ است و اثر بدی بر دل‌ها دارد و حتی اگر انسان در آن لحظه در دل خودش احساس نرمش و رقت کند اما قضیه بعد از آن قطعا برعکس می‌شود زیرا شادی دل برای باطل دوام نمی‌یابد بلکه در پی آن درد و پشیمانی و حسرت است و هر بدعتی خطرناک است زیرا طعن در پیامبری را در خود دارد زیرا مقتضا و مفهوم دیگر

بدعت این است که پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ شریعت را کامل نکرده است، در حالی که الله سبحان و تعالی می‌فرماید: الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الإِسْلاَمَ دِينًا [مائده: ۳] (امروز دینتان را کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام نمودم و اسلام را [به عنوان بهترین] دین برایتان برگزیدم). عجیب آن است که برخی از مبتلایان به این بدعت‌ها همهٔ تلاش خود را در راه انجام آن به کار می‌برند ولی در عین حان دربارهٔ آنچه سودمندتر و درست‌تر است تساهل می‌ورزند. برای همین می‌گوییم جشن گرفتن شب بیست و هفتم رجب به عنوان شبی که پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ را در آن به معراج بردند بدعت است؛ زیرا بر سببی استوار است که شرع آن را نیاورده است.

ثانیا: اینکه آن عبادت «در جنس خود» خود موافق شرع باشد.

مانند آنکه کسی بیاید و اسب قربانی کند. اگر انسان اسب را قربانی کند این کار در جنس خود مخالف شریعت است. (زیرا قربانی باید از دام‌ها باشد یعنی شتر و گاو و گوسفند و بز).

ثالثا: اینکه عبادت در «اندازه‌اش» موافق با شرع باشد. یعنی اگر کسی بیاید و بگوید نماز ظهرش را شش رکعت خوانده آیا این عبادت موافق شریعت است؟ خیر؛ زیرا در اندازه با شرع هماهنگ نیست و اگر کسی بیاید و بگوید پس از هر نماز فرض سی و پنج بار سبحان الله و الحمدلله و الله می‌گوید، آیا این درست است؟ پاسخ این است که: اگر قصدت از این تعداد، عبادت باشد [و خود این عدد را داخل در عبادت بدانی] کارت اشتباه است و اگر هدفت بیشتر گفتن از چیزی باشد که رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ مشروع کرده اما معتقدی مشروع سی و سه بار است، این اضافه اشکالی ندارد چون تو آن را از قصد عبادت [با این عدد معین] جدا کرده‌ای.

رابعا: اینکه عبادت در «کیفیتش» موافق با شرع باشد.

اگر کسی عبادتی را با جنس و اندازه و سببش بر اساس شرع انجام دهد اما در کیفیت انجام با شرع مخالفت کند آن عبادت صحیح نیست. مثال: شخصی بی‌وضو شد و سپس وضو گرفت اما اول پاهایش را شست، سپس سرش را مسح کرد، سپس دستانش را شست و سپس صورتش را شست. آیا وضوی او صحیح است؟ خیر، زیرا در کیفیت عبادت با شرع مخالفت کرده است.

خامسا: اینکه عبادت «از نظر زمان» هم موافق با شرع باشد.

مانند آنکه کسی روزهٔ رمضان را در شعبان یا در شوال بگیرد یا نماز ظهر را پیش از زوال یا پس از آنکه سایهٔ هر چیزی به اندازهٔ خودش شد به جا بیاورد؛ چون او نماز ظهر را پیش از زوال یعنی پیش از وقتش ادا کرده نمازش درست نیست و اگر این نماز را پس از آن بخواند که سایهٔ هر چیزی به اندازهٔ خودش شود، آن را پس از وقتش ادا کرده پس نمازش درست نیست.

برای همین می‌گوییم اگر کسی نمازش را عمدا نخواند تا آنکه وقتش تمام شود، نمازش قبول نمی‌شود حتی اگر هزار بار آن را بخواند. اینجا قاعدهٔ مهمی را در این باب خواهیم آورد: هر عبادت وقت‌داری را اگر انسان بدون عذر از وقتش خارج سازد، آن عبادت قبول نیست بلکه مردود است.

دلیل آن حدیث عایشه ـ رضی الله عنها ـ است که پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ فرمودند: «هرکس کاری انجام دهد که امر ما بر آن نباشد، آن کار مردود است».

سادسا: اینکه عبادت «از نظر مکان» موافق با شرع باشد.

مثلا اگر کسی روز عرفه در مزدلفه وقوف کند، وقوفش صحیح نیست زیرا از نظر مکانی موافق شرع نیست. همینطور اگر مثلا کسی در منزلش اعتکاف کند کارش درست نیست زیرا مکان اعتکاف مسجد است. برای همین برای زن درست نیست که در خانه‌اش اعتکاف کند زیرا خانه محل اعتکاف نیست. پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ وقتی باخبر شدند که همسرانشان در مسجد خیمه‌های کوچکی برای اعتکاف خود زده‌اند، امر کردند آن خیمه‌ها برداشته شود و اعتکاف را لغو نمودند و به آنان راهنمایی نکردند که در خانه‌هایشان اعتکاف کنند، و این نشان می‌دهد که زن نمی‌تواند در خانه‌اش اعتکاف کند زیرا این کار مخالفت با شرع از نظر مکان عبادت است. بنابراین ما شش وصف داریم که متابعت از سنت محقق نمی‌شود مگر آنکه همهٔ این شش شرط در عبادت باشد:

۱ـ سبب عبادت.

۲ـ جنس عبادت.

۳ـ اندازهٔ عبادت.

۴- کیفیت عبادت.

۵- زمان عبادت.

۶- مکان عبادت.